



**آقای دکتر!** بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که هدف و مأموریت اصلی انبیاء و اولیای الهی، ترویج «معنویت» در میان مردم بوده و انقلاب اسلامی ما هم با آن هزینه‌های سنگین، اساساً با این هدف دنبال شده و به بار نشسته است. این معنویت‌ی که همه‌از آن صحبت می‌کنند، دقیقاً چیست و چه معنا و مفهومی دارد؟ مسئله «معنویت» در برابر «مادیّت و دنیاگرایی» قرار می‌گیرد. با این توضیح که وجود انسان از دو بُعد «مینی و آسمانی» یا «مادی و الهی» مرکب است، «معنویت» یکی از ابعاد مهم وجود انسان است که اتفاقاً طی ۳۰۰، ۴۰۰ سال اخیر که موح دنیاگرایی غربی فراگیر شده‌این بُعد مورد غفلت قرار گرفته‌است. این غفلت در حالی صورت گرفته و می‌گیرد که در منابع دینی ما «معنویت» به عنوان محور حیات معرفی شده‌است که می‌تواند به جامعه‌انسان‌ها جهت داده و به آن نشاط بخشد و اساساً معنویت و جنبه الهی وجود انسان، به نوعی حیات ابدی و جاودانگی او را نیز ترسیم می‌کند، اما در جریان حمله ابعاد مختلف مادی‌گرای و غربزدگی، این عنصر در کل زندگی بشر امروزی نقص و ضعف پیدا کرده‌است و موقیّت‌های زمانی خاص مانند ماه مبارک رمضان هم در طرز حیات اسلام به عنوان یک فرصت برای جبران کاستی‌ها و وضعفای معنوی در نظر گرفته شده‌است.

**در اسلام، معنویت منحصر در زندگی فردی است یا به زندگی اجتماعی هم ربط پیدا می‌کند؟**

پرسش بسیار خوبی است. مسئله‌ای که باید به شدت نسبت به آن توجه داشت، این است که بر خلاف تصور برخی‌ها، عنصر معنویت فقط مربوط و منحصر به زندگی فردی نیست بلکه می‌تواند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و… نیز حضور جدی داشته باشد؛ به این معنا که دست‌اندرکاران مسائل جمعی و عمومی، در محاسبات و برننامه‌ریزی‌های خود نباید تنها به حساب و کتاب‌های مادی صرف توجه کنند، بلکه لازم است بُعد انسانی و معنوی جامعه را هم لحاظ کنند. این تعبیر قرآن کریم که می‌فرماید: «صیغه الله و من أحسن من الله صیغه»، در واقع به این نکته اشاره و تأکید می‌کند که باید به تمام عرصه‌های زندگی انسان، رنگ و بوی الهی داده شود و چه رنگی زیباتر از رنگ الهی. این رنگ معنویت است که هم آینده جامعه را تضمین می‌کند و هم زمان حال آن را. در برابر چالش‌ها و آسیب‌های گوناگون مسون نگه می‌دارد، جامعه ما هم قطعاً از این قاعده مستثنی نیست و به این عنصر نیاز دارد.

**اشاره کردید که معنویت انسان‌ها در برابر موح دنیاگرایی و غربزدگی آسیب جدی دیده‌ است. انقلاب و نظام ما چقدر در ترمیم این آسیب‌ها مخصوصاً در جامعه خودمان موفق عمل کرده‌است؟**

انگیزه و نیت اصلی انقلاب، یک انگیزه معنوی و الهی بود و آن زمانی هم که انقلاب پیروز شد و به بار نشست، با نفیس امام (ره) رنگ معنویت در جامعه‌ما تبلور پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب باید حرکتی آغاز می‌شد تا ریشه‌های معنوی آسیب‌دیده را ترمیم کندو این عنصر را به سمت شکوفایی بیشتر پیش ببرد. اما از همان ۲۳ سال پیش تاکنون موانع رشد معنویت جامعه‌ما نیز به طور چشمگیری در سطح جهان رشد یافته‌است. به طور کلی می‌توان گفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو کار عمده در این حوزه انجام شده‌است: اول اینکه مسئله مصون‌سازی جامعه در برابر امواج سهمگین هجوم فرهنگی و معنوی غرب دنبال شده و دیگر اینکه کاستی‌های قبلی نیز تا حد زیادی جبران شده‌ است. یعنی تا قبل از انقلاب یک مسیر کاملاً رو به ابتدال را شاهد بودیم، اما در عین حال، اینکه معتقد باشیم‌الان از جهت معنوی در حد مطلوبی قرار داریم، قطعاً از زیبایی واقع بیخانه‌ای نیست؛ چراکه در این مسیر غفلت‌ها و بی‌تدبیری‌هایی هم داشته‌ایم.

**اتفاقاً سؤال من هم همین است. چه غفلت‌هایی داشته‌ایم؟ و واقعاً بعد از گذشت سه‌دهه از عمر انقلاب به نظر شما الان حال معنوی جامعه ما چطور است؟**

به نظر من، معنویت پنهان جامعه‌ما بیش از آن چیزی است که می‌بینیم. یعنی اگر در برخی لایه‌های اجتماع مظاهر رفتار دنیایی و شهوانی را شاهد هستیم، در عین حال در برخی لایه‌ها و جنبه‌ها نیز جلوه‌های خوبی از معنویت را می‌توانیم ببینیم. بنابراین می‌توان گفت حال کلی معنویت در جامعه ما خوب است.

**منظور تان از «معنویت پنهان» چیست؟**

در برخی از لایه‌های اجتماع شاهد هستیم که رفتار معنوی افراد آسیب و صدمه

گفت‌وگو

شبه‌هفتگی اجتمعی

شهر هفتشنبه جوان

معنویت در جامعه

معنویت پنهان جامعه‌ما بیش از آن چیزی است که می‌بینیم. یعنی اگر در برخی لایه‌های اجتماع مظاهر رفتار دنیایی و شهوانی را شاهد هستیم، در عین حال در برخی لایه‌ها و جنبه‌ها نیز جلوه‌های خوبی از معنویت را می‌توانیم ببینیم. بنابراین می‌توان گفت حال کلی معنویت در جامعه ما خوب است.

Interview

**گفت‌وگوی «جوان» با عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**

# حال کلی معنویت در جامعه ما خوب است

**جانمازها را در ادارات بیشتر از همه جا آب می‌کشند**

حمد حسین عسکری

بیش از ۱۴۰۰ سال از روزگاری که آخرین فرستاده خدا خطاب به مردم حجاز و همه نسل‌ها و عصرهای بعد از آنان هشدار داد که «بگوید لا اله الا الله تا رستگار شوید» می‌گذرد و در امتداد همان خط، ۳۳ سال نیز از به بار نشستن انقلابی که با همان شعار و آرمان مردم را به میدان مبارزه آورد، می‌گذرد. از آن تاریخ تا به امروز، همیشه یک هدف و آرمان برای آن دین و

این انقلاب عنوان شده و آن نیز چیزی نبوده‌است جز اتصال انسان به آسمان و سعادت ابدی او با این اتصال. راه این اتصال هم در یک کلمه خلاصه شده است؛ «معنویت». بهرغم آنکه معنویت یا همان زندگی دینی همواره نقطه توجه و امید مردم مسلمان و حق طلب بوده‌است، اما این نقطه امید نیز گاهی اوقات به مسلخ‌آبای‌گری و بی‌خیالی فرستاده شده و هر از چندگاهی هم با

از ظرفیت آن برای گسترش شعاع معنویت بهره بگیریم. چه بسا این امکان باشد که با یک سرمایه‌گذاری مناسب، بتوانیم افرادی را برای ترویج معنویت و صیانت از اخلاق جامعه به کار بگیریم که توانمندی‌های برجسته و جدایی‌داشته باشند، طوری که مخاطبان احساس حقارت نکنند و با میل و اراده خود با آنها همراهی و همکاری کنند. ولی فکرمی‌کنم متأسفانه در این زمینه‌ها هنوز یک کار کلان ملی که پشتوانه کارشناسی داشته باشد و بتواند اجماع مناسبی نیز در بین مردم و خواص ایجاد کند، انجام نشده‌است.

**آقای دکتر! بیش از سه‌دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی گذشته‌است، به نظر شما در رابطه با مسئله ترویج معنویت، در کدام زمینه‌ها ضعیف‌تر عمل شده که نیاز به بازنگری احساس می‌شود؟**

بخشی از موضوع ارتقای معنوی مردم مدیون فضای عمومی جامعه بوده‌است، نه صرفاً به خاطر حکومت، اما به هر حال باید بررسی شود که نظام ما در کدام عرصه‌ها موفق‌ترودر کدام زمینه‌ها ضعیف‌تر عمل کرده‌است. اجمالاً می‌توانم بگویم که دستگا‌های تبلیغی دینی که در صف مقدم دعوت به معنویت قرار دارند، متناسب با نیازهای زمانه تقریباً کاری انجام نداده‌اند! یعنی محتوای مجالس عظّم، مآموریت‌های مهم جماعات تبلیاسنجی از مخاطبان و کارهایی از این قبیل از جمله اقداماتی بوده‌است که باید به آنها پرداخته می‌شد، ولی متأسفانه کم‌کاری شده‌است.

**علت این کم‌کاری‌ها چیست؟**

علت اصلی این کم‌کاری و بی‌تحرکی این است که آنها هنوز خودشان را از موضع انتقادی صرف خارج نکرده‌و به خروجی عملکردهای خود توجه نکرده‌اند. ضربیت نفوذدین در جامعه بسیار بالاست، اما اینکه فقط کلیات بیان شود آن هم بدون اینکه به عرصه میدانی وارد شده و توقعات و نیازهای جامعه را ببینیم، مشکل چندان‌ای را حل نخواهد کرد. به نظر من باید یک نقشه کلان و جامع با مدل «هندسی فرهنگی» تهیه‌شده و وظیفه هر دستگه‌در آن معلوم شود. شایان ذکر است که در این زمینه هم باید توجه داشت که خود این کارها هم باید به صورت یک کار معنوی و از سر اعتقاد انجام شود و صورتی آدری، گزارشی و به صورت تبلیغ‌زده نباشد.

**صرفنظر از تأثیرگذاری بی‌بیل حکومت و دستگه‌های آن و البته رشد ابزارهای فرهنگی متنوع، «خانواده‌ها» چقدر می‌توانند در ترویج و تحکیم معنویت تأثیرگذار باشند؟**

متأسفانه هنوز در جامعه به توانمندسازی جدی خانواده‌ها برای ایفای نقش فرهنگی و معنوی آنها توجه و عمل نکرده‌ایم. در واقع به دلیل وجود ساختارهای غریض‌وطویل در دستگه‌های فرهنگی کشورمان که باقیمانده از دوران گذشته‌است، توجه چندان‌به جایگاه و اثرگذاری خانواده نشده‌ است، هرچند ممکن است در رسانه‌ها کارهایی در این رابطه انجام شده باشد، اما کارهای میدانی دقیقی که بر اساس آن به سراغ خانواده‌ها بروند و چالش‌ها، فرصت‌ها و مهارت‌های آنها را در زمینه معنویت‌گریایی بررسی و تقویت کنند، هنوز انجام نشده‌است. حتی مخاطب همین گفت‌وگوی من و شما نیز شاید عموم مردم نباشند، بلکه ممکن است مدیران باشند که آنها هم چندان فرصت و دقت کافی برای توجه به این جزئیات ندارند. در رابطه با مسئله معنویت، باید به نقش «خانواده» و نوع رویکردها و رفتارهای آن در ترویج معنویت توجه شود. رویکرد معنوی خانواده در تربیت فرزندان و الگوهایی که از رفتار پدر و مادر به فرزندان منتقل می‌شود، بسیار مهم و حیاتی است.

بدون روزدریاستی باید بگویم که برخی فعالیت‌ها انتظار جامعه را بالا می‌برد، بدون اینکه راهاکار جدید و عملیاتی پیش‌بینی شود، رسانه‌ها در جریان پرداختن به این مسائل باید بتوانند انگیزه‌های جدی و عملیاتی را در مخاطبان خودشان ایجاد کنند.البته همه‌از مردم گرفته تا مسئولان در رده‌های مختلف، باید کار کنیم و احساس وظیفه کرده و نباید تصور کنیم که فقط باید کارهای درشت و چشم‌پُرکن انجام شود، چه‌سا کارهای کوچک و کم‌هزینه‌ای که چندبرابر مفیدباشند. اما مسئله مهم این است که این کارهای کوچک هم باید سامان یافته و منسجم باشد. مثلاً آموزش و توانمندسازی مربیان و کارشناس فعال در زمینه‌های فرهنگی و معنوی بسیار لازم و ضروری است. اینها همه حلقه‌های به هم پیوسته‌ای است که باید به تکتک آنها توجه شود و در عین حال، نباید هم بی‌انصافی شده و نسبت به آینده ناامید بود.



**جمعی از بازنشستگان از مهم‌ترین دغدغه خود می‌گویند**

## دولت حقوق ما را بالا بکشد!

ناچار در خیابان‌های شلوغ و آلوده تهران می‌گذرانم. سرمدی می‌گوید: «با وجود همه سختی‌ها، او نسبت به بسیاری از بازنشستگان وضعیت بهتری دارد زیرا بازنشستگی را می‌شناسد که برای گذران زندگی به مشاغل کاذب رو آورده‌اند. این انصاف نیست که مستعمری‌بگیران ما بعد از سی سال خدمت شرافتمندانه برای کسب معیشت به اجبار به هر کاری رویبآورند!»

■ **با تورم پایین باید با حقوق بالا برود**

آقای شببانی ۷۶ ساله هم کارمند کارخانه رسندگی و بافندگی بوده که بعد از سی و یک سال فعالیت در این کارخانه تقریباً هفده سال پیش بازنشسته شده‌است و در حال

تجربیات و آموخته‌های شغلی بازنشستگان به جوانان، ضمن ارتقای سطح دانش و مهارت کارآموزان، منبع درآمدی نیز برای قشر آسیب‌پذیر مستعمری‌بگیران تدارک بینند.

گفته‌های بازنشستگان نشان می‌دهد که اغلب مشکلات آنها حول محور مسائل

اقتصادی و معیشتی دور می‌زند و مستعمری دریافتی آنها هزینه‌های جاری‌شان را تأمین نمی‌کند و در اغلب موارد زندگی برای مستعمری‌بگیران با سختی و مرارت می‌گذرد. در این شش‌رابطه، افزایش هرچند ناچیز مقررری برای زندگی آنها بسیار حساس و حیاتی به نظر می‌رسد. بنابراین تسریع در عمل به وعده‌های داده شده در رابطه با افزایش حقوق بازنشستگان باید در اولویت کاری سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرد. در همین راستا کانون بازنشستگان نیز به عنوان میانجی میان مستعمری‌بگیران و مسئولان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کند؛ اطلاع‌رسانی در ارتباط با برنامه‌ها و تسهیلات سازمان تأمین اجتماعی برای بازنشستگان، انتقال پیشنهادات و انتقادات اعضای کانون به مسئولان از وظایف این نهاد به شمار می‌رود که باید مورد توجه قرار گیرد.